

مطالعه تطبیقی مفهوم قانون و ارکان قانون گذاری در نظام حقوقی ایران و مالزی

احمد ساجدی^۱، روح‌الله رحیمی^{۲*}، حسین علائی^۳، خدیجه کریمی اصفهانی^۴

چکیده:

ایران کشوری نیمه پارلمانی- ریاستی دارد که مجلس شورای اسلامی ایران به عنوان رکن اصلی قانون گذاری، محور بسیاری از تصمیم گیری‌ها، قانون گذاری‌ها و برنامه ریزی‌هاست و نمایندگان آن، با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند، ولی کشور مالزی دارای دو مجلس می‌باشد و در مبنای تقنینی آن با نظام حقوقی ایران تفاوت‌هایی دارد. در مالزی، قدرت ابتکار قانون تا حد بسیاری در اختیار دولت می‌باشد و دولت بسیار تأثیرگذار می‌باشد. اما در ایران، قدرت اصلی در اختیار قوه تقنین می‌باشد و دولت به معنای مجریه صلاحیت پیشنهاد قانون را در قالب لایحه دارد. رهیافت حاصل شده، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نظامی است منحصر به فرد که هم عناصری از رژیم ریاستی در آن است و هم عناصری از رژیم مجلس مدار و هم اصول دموکراتیک بودن. این اصول دموکراتیک به گونه آشکاری در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز دیده می‌شوند، چرا که اصولاً الهی بودن نظام به معنای نفی نقش مردم در اداره جامعه نیست، بلکه حاکمیت ملت در قالب حاکمیت موازین اسلامی به شکل خاصی متبلور شده است. نگارندگان در این مقاله با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به مطالعه تطبیقی مفهوم قانون و ارکان قانون گذاری در نظام حقوقی ایران و مالزی پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی: قانون، ارکان قانون گذاری، مجلس شورای اسلامی، مجلس نمایندگان.

* دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
** استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول)
rahimi.mehr48@yahoo.com

*** استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

**** استادیار و عضو هیات علمی، گروه حقوق عمومی، واحد داریون، دانشگاه آزاد اسلامی، داریون، ایران.

مقدمه

از نخستین مفاهیمی که انسان در طول زیست اجتماعی خود با آن آشنا می‌شود، قانون است؛ قانون به معنای آنکه قیود و بنیادهایی بر اراده و خواست فرد زده می‌شود. قانون از مفاهیمی است که قدمتی به درازای اندیشه بشری دارد و ذهن اندیشمندان، علما و فیلسوفان بسیاری را در طی قرون به خود اختصاص داده و تلاشهای صورت گرفته در این زمینه بر غنای این مفهوم بنیادین روز به روز اضافه گردیده است. در گذشته، نظام‌های حقوقی وجود داشته‌اند که منبع اصلی و اساسی آنها عرف بوده است و قانون در آن‌جاها «قانون عرفی» نامیده می‌شد؛ اما امروزه می‌توان ادعا داشت که تقریباً در اکثر نظام‌های حقوقی جهان، منبع نخستین و اصلی قانون، مصوبات مجلس قانون‌گذاری می‌باشد. حتی به نظر می‌رسد در کشورهایی که سابقه حقوق عرفی وجود دارد، نیز امروزه گرایش به حقوق موضوعه جریان پیدا کرده است.

در هر حال، می‌توان قانون را مهم‌ترین عنصر هر نظام حقوقی دانست. قانون و قانون‌گذاری در طی زمانهای متمادی به شکل حیرت‌انگیزی دچار تحول گردیده است. تا جایی که امروزه یکی از کارکردهای مهم و حیاتی دولتها قانون‌گذاری تلقی می‌گردد و این امر به قدری دارای اهمیت می‌باشد که تزهایی در جهان همسو با جهانی‌شدن در حال ارائه و بررسی می‌باشد، تحت عنوان قانون جهانی.

از آنجا که قانون‌گذاری در هر جامعه‌ای از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و به عبارتی، ستون اصلی ساختمان و ساختار دولتها را قانون تشکیل می‌دهد و با عنایت به اصل تفکیک قوا، قوه مقننه یکی از مهمترین قوای هر حکومت محسوب و گرافه نیست اگر این قوه را شاهرگ هر نظامی حقوقی تلقی کرد. برای درک این مهم باید به مطالعه کامل مفهوم قانون و منابعی که قانون از آن نشأت گرفته می‌شود، پرداخت.

از آنجایی که زیست اجتماعی بشر دچار تحولات شگرفی گردیده است، نمی‌توان بدون مطالعه قوانین و حقوق کشورهای دیگر، به این مهم در کشور خود دست یابیم. برای همین، مطالعه تطبیقی یکی از راهکارهای بسیار مهم و حیاتی می‌باشد، بخصوص در حقوق عمومی که به مراتب این نیاز بیشتر احساس می‌شود. با توجه به اینکه دین در دو کشور جمهوری اسلامی ایران و مالزی اسلام می‌باشد، پس قوانین آن می‌تواند با تاثیرپذیری از دین تصویب و اجرا گردد و تفاوت‌ها و تمایزات موجود که در ساختار این دو کشور وجود دارد، موجب گردیده است تا بستری برای مطالعه تطبیقی فراهم گردد.

اهمیت و ضرورت تحقیق آن است که کشورهای مختلف زمانی می‌توانند ادعا کنند که در راستای احترام به کرامات انسانی و حقوق و آزادی‌های جمعیت خود گام برمی‌دارند که نه تنها

حقوق و آزادی‌ها را در قوانین به رسمیت بشناسند، بلکه ابزارهای تحقق آن را نیز فراهم آورند و این که چیستی و ماهیت قانون در کشور بر چه مبنایی استوار می‌باشد و در تدوین قانون تا چه میزان به ویژگی‌های عرضی آن توجه گردیده، امری است که بیانگر آن است که حاکمیت تا چه حد برای فرایند قانون و حاکمیت قانون و اجرایی‌شدن آن و به تبع آن، تضمین حقوق و آزادی‌ها، ارزش و اهمیت قائل گردیده است. در تحقیق، در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان نظام قانون‌گذاری دو کشور وجود دارد و جایگاه دین در نظام قانون‌گذاری کجاست؟

۱. مفهوم قانون

امروزه می‌توان ادعا داشت که تقریباً در اکثر نظام‌های حقوقی جهان، منبع نخستین و اصلی قانون، مصوبات مجلس قانون‌گذاری می‌باشد. حتی به نظر می‌رسد در کشورهایی که سابقه حقوق عرفی دارند نیز امروزه گرایش به حقوق موضوعه جریان پیدا کرده است. در هر حال، می‌توان قانون را مهم‌ترین عنصر هر نظام حقوقی دانست (راسخ، ۱۳۹۲: ۱۳). بحث از قانون، چه بعنوان ابزار حکومت^۱، چه بعنوان ابزاری برای کنترل حکومت^۲، نگرانی و دل‌مشغولی نویسندگان حوزه‌های مختلفی مانند حقوق، فلسفه، سیاسی و غیره می‌باشد. سرکشی بالفعل حاکمان و صاحب‌منصبان یا سرکشی بالقوه آنان در تعدی و تجاوز به حقوق شهروندان موجب گردیده است که مفهوم قانون جایگاه بلند مرتبه‌ای در گفتمان‌های سیاسی و حقوقی پیدا کند. ارسطو پیرامون قانون اینگونه سخن را آغاز می‌کند که «آیا حکومت را باید بدست بهترین افراد سپرد؟» و در پاسخ می‌گوید «اصولاً نادرست است که به جای اینکه حکومت تابع قانون باشد، تابع فرد باشد، زیرا فرد در هواهای نفسانی خود گرفتار است» (المیری مرکز، ۱۳۸۵: ۲۸).

قانون از مباحثی است که در زندگی عادی و روزمره با آن سروکار زیادی داریم و از آن تبعیت می‌کنیم و در دنیای مدرن نقش بسزایی را برای برقراری نظم و ایجاد امنیت ایفا می‌کند. قانون را نه می‌توانیم زائیده دولت و نه بی‌ارتباط با دولت دانست. در همه جوامع، حتی ابتدایی‌ترین آنها می‌توان به وجود قانون بعنوان نوعی باید و نباید اشاره داشت. حتی بیان شده این هنجار و آزاد نبودن اراده در مورد آدم و حوا نیز صدق می‌کند.

یکی از اصلی‌ترین مفاهیم سازنده اندیشه سیاسی یونان باستان، مفهوم قانون بوده است. یونانیان از دو اصطلاح حقوقی متفاوت برای مفهوم قانون استفاده می‌کرده‌اند. تا پیش از سقوط حکومت استبدادی پیسیستراتی در پایان سده ششم قبل از میلاد، اصطلاح تشموس در معنای قانون نهاده به کار می‌رفته است؛ حال آنکه پس از اصلاحات کلیستنیسی در آغاز سده پنجم و استقرار

1. rule by law
2. rule of law

مردم‌سالاری در آتن، اصطلاح حقوقی دیگری در معنای قانون نهاد به کار می‌رفته است که آن کلمه نوموس بوده است. فاصله میان آخرین کاربرد شوموس در معنای قانون نهاد و نخستین استفاده از نوموس در این معنا، چهل سال به درازا می‌کشد. از آنجا که مفهوم قانون، در اندیشه سیاسی یونانیان، آتینان، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، این تغییر واژگان تخصصی از شوموس به نوموس خبر از تغییری پراهمیت در اندیشه سیاسی یونانیان باستان می‌دهد.

گذر از شوموس به نوموس در ادبیات سیاسی یونان باستان، بازنمایاننده دگرگونی اندیشگانی در اندیشه سیاسی یونانیان، به ویژه آتینان، بوده است. شوموس به معنای دستور/فرمان زور آور شده‌ای است که از سوی عاملی جدا و برتر صادر می‌شود و افرادی که تحت آن دستور یا فرمان قرار می‌گیرند، آن را اجبار آور می‌یابند. در معنای بنیادین نوموس، نیز اجبار و الزام نهفته است. اما این الزام و اجبار بیش از آنکه ارجحیت مرجعی که آن را صادر کرده، ناشی شده باشد، از این واقعیت نشأت می‌گیرد که همه افرادی که تحت سامان و نظم نوموس قرار می‌گیرند، آن را بی‌چون و چرا معتبر می‌دانند. با مطالب بیان شده، به این باور می‌رسیم که ریشه کلمه «قانون» در زبان و اندیشه یونانیان شکل گرفته است و هنگامی که در فرهنگ لغات گوناگون مطالعه و تحقیق انجام می‌دهیم، متوجه می‌شویم که از طریق زبان سریانی وارد زبان عربی شده است.

کلمه قانون در معنای اولیه و اصل آن، به معنای «خط‌کش» به کار رفته و بعد معنی قاعده به خود گرفته است. امروزه، قانون به معنای قواعد و قوانین از پیش تعیین‌شده توسط مرجع ذی‌صلاح رسمی نامیده می‌شود. کاربرد قانون به معنی و مفهوم «law» در حقوق ایران، گذشته دوری ندارد و ورود آن را به زبان حقوق فارسی حوالی سال‌های ۱۳۶۹ هجری قمری می‌دانند (فتحعلی‌زاده، ۱۳۸۱: ۶۶). به محض این که اسم قانون می‌آید، فهمیده می‌شود که برخی از رفتارهای انسان دیگر اختیاری نیست (هارت، ۱۳۹۳: ۲۳).

برای درک چیستی و چرایی قانون باید به سراغ مکاتب حقوقی و فلسفی رفت. چیستی قانون یک امر تفسیر بردار است که به دلیل ماهیت تفسیری آن در مکاتب گوناگون، نظرات متفاوتی نسبت به آن ارائه شده و امری اختلافی می‌باشد. در اینجا، بطور مختصر و اجمالی به بعضی از مکاتب اشاره می‌شود.

۱-۱. قانون در مکتب حقوق طبیعی

حقوق طبیعی در اندیشه، اندیشمندان ملل باستان و بالاخص یونانیان بوده است. زیرا اعتقاد آنان بر این استوار گردیده بوده که قوانینی برتر از کلیه قواعد و مقررات که به اقتضای زمان و مکان وضع می‌شود، وجود دارد و سررشته این قواعد در فطرت و طبیعت انسان قرار گرفته است (ویژه، ۱۳۹۰:

۱۹). یا تصور دیگری که در این مکتب وجود داشت، این بوده است که انسانها به حکم قوانین طبیعت و سرشت اجتماعی خویش به یکدیگر نیازمندند که در ضمیر آنها نهادینه شده است و بر این باورند که قوانین یعنی قوانینی واقعی، قابلیت کشف توسط عقل را دارند. قانون واقعیت خارجی دارد، نه اعتبار و از نظر زمان و مکان، ثابت و بدون تغییر هستند. ارسطو و افلاطون را می‌توان از نظریه پردازان اصلی و بسط‌دهندگان مکتب حقوق فطری نامید. در این مکتب، این گونه بیان می‌شود که هر آنچه با عدالت همخوان نباشد، قانون نیست. مبنای درستی قوانین، سازگاری آن با عدالت است که در فطرت و سیرت انسان وجود دارد.

۱-۲. قانون در مکتب پوزیتیویسم حقوقی

در این مکتب، بحث از وضعی بودن قانون است. مبنای قانون در وضع و موضوعه می‌باشد. قانون در این مکتب، به معنای مجموعه قواعد و مقرراتی می‌باشد که بر افراد مقیم یک کشور از سوی حاکمیت بواسطه قدرت و ضمانت اجرا تحمیل می‌شود (راسخ، ۱۳۸۴). در این مکتب، قانون امری اعتباری و مستقل از هر عامل و نظریه می‌باشد. پوزیتیویسم حقوقی را می‌توان به نوعی در تقابل با مکتب طبیعی گراها دانست. قانون به محض اینکه وضع گردید، از اعتبار و الزام برخوردار خواهد شد؛ هر چند با اخلاق و عدالت همخوان نباشد. یکی از نظریه پردازان مشهور این تفکر، هانس کلسن می‌باشد که باوری به هنجار و الزامات بیرونی ندارد و بیان می‌کند که هر قاعده حقوقی اعتبار خودش را از هنجار بالاتر و قدرت الزام آور بالاتر دریافت می‌کند (ویژه، ۱۳۹۳).

۱-۳. قانون در مکتب تفسیری

بنیان فکری این مکتب بر این استوار است که هر آن چه به ما رسیده است، در پاره‌ای از تفاسیر و نظریه‌ها قرار دارد و بدون این تفاسیر نمی‌توان ادعا کرد. این نظریه در جهت اثبات‌گرایی حقوقی شکل گرفت که قواعد و هنجارها را امری وضعی و بی‌نیاز و مستقل از هر امری می‌دانستند. در این مکتب گفته می‌شود که جدایی کامل و واقعی بین قواعد و مقررات از تفاسیر امکان‌پذیر نمی‌باشد و ناگزیر از تفسیرهای اخلاقی می‌باشم (راسخ، ۱۳۹۲).

۱-۴. قانون به مثابه فرمان الهی

حق قانون‌گذاری از آن خداوند باری تعالی می‌باشد و باید‌ها و نبایدهایی را قانون می‌دانند که در محدوده و ضوابط قوانین الهی قرار بگیرد. قانون، تجلی اراده خداوند است که باید در زندگی خصوصی و عمومی افراد بکار برده شود. قوانین الهی به قدری کامل و جامع هستند که در همه ادوار می‌توانند به تامین نیازها و سروسامان دادن امور زندگی بشر به کار برده شوند.

۱-۵. مکتب اسلام

در دین مبین اسلام، قانون کاشف از حق است، نه مولد حق. از منظر اسلام، قانون مجموعه قواعد و مقرراتی می‌باشد که رشد معنوی و مادی و مصالح فرد و جامعه را تامین می‌کند و مطابق با فطرت انسان است. در مکتب اسلام، عقل انسانی و اراده بشری به تنهایی برای زیست و تکامل کافی نمی‌باشد، بلکه به عقل و تدبیر الهی نیاز است (میرموسوی، ۱۳۹۲)؛ پس در این مکتب، ریشه قوانین هر آنچه که در شریعت قرار دارد و از طریق وحی برای انسان تعیین شده است.

۲. ویژگی‌های قانون

بحث درباره ویژگی‌های قانون را می‌توان در ادامه چستی قانون قرار داد. بعد از پی بردن به ماهیت قانون، اینک باید بدانیم که یک هنجار، باید و نباید چه خصوصیتی باید داشته باشد تا بتوان آن را قانون نامید. کنکاش و مطالعه در رابطه با ماهیت قانون، بحثی نظری و ارزشی می‌باشد، اما اینکه قانون چه وظایفی دارد- قانون چه عملکردی دارد- قانون چه نیازهایی را باید برطرف کند، مقوله متفاوت و مهمی می‌باشد. به واقع، قانون چه خصوصیات و ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ در این تحقیق، با تأثی از نظریات دکتر راسخ، ویژگی‌های قانون را ذاتی و عرضی می‌نامیم (راسخ، ۱۳۹۳).

۲-۱. ویژگی‌های ذاتی قانون

عام بودن: یک هنجار باید عمومی باشد، خاص نباشد، امر شخصی نباشد. عام بودن به آن معناست که بر یک رفتار دلالت کند. قانون یک استاندارد در یک قلمرو مشخص می‌باشد. روسو می‌نویسد قانون افراد را هرگز به چشم فرد یا عمل خاص نمی‌نگرد، و هنگامی که قانون یک امر عام و کلی باشد، هیچ کسی از حیطه قانون بیرون نمی‌رود و تساوی ایجاد می‌گردد.

امری بودن قانون: قواعد باید بیان‌کننده امر باشند، نه خبردهنده و اخباری، قانون باید «بایدانگاران» باشد. امری بودن قانون کنار ویژگی‌های دیگر، مهم و قابل فهم می‌شود. چون یک فرد معمولی نیز توان امر کردن را دارد. ولی هر فرمان و دستوری «امر» به معنای ویژگی‌های قانون به حساب نمی‌آید.

علنی بودن: قانون باید شناخته و آشکار گردد، انتشار قوانین دال بر این خصوصیت دارد. اگر هنجارها علنی گردد، افراد رفتار خود را با آن تنظیم می‌کنند. قاعده‌ای که در خفا وضع و نگهداری شود، برای تابعان آن هیچ الزامی بوجود نمی‌آورد. همانند هیتلر که قوانین مخفی وضع می‌کرد و آنها را علنی نمی‌کرد، اما بر اساس همان مجازات اعمال می‌کرد. انتشار قوانین موجب می‌گردد جهل به قانون پذیرفته نباشد (راسخ، ۱۳۸۵).

قابل فهم بودن: قانون برای هدف و کارکردی معین وضع می‌گردد. بنابراین، باید واضح و بدون ابهام و شفاف باشد. قانون مبهم و دوپهلوی دست مجریان قانون را برای هرگونه تفسیر و سلیقه محوری باز می‌کند.

الزام آور بودن: قانون قاعده و هنجاری است که برای هدف و عملی خاص وضع می‌گردد و برای حمایت از آن، به پشتوانه قوه قهریه و اقتدار سیاسی برای اجرایی کردن آن نیازمند است. قاعده‌ای که وضع می‌گردد، باید از ضمانت اجرا برخوردار باشد تا اگر از آن تبعیت نشد، واکنش دستگاه حکومتی را در پی داشته باشد. ژان ژاک روسو بر این باور است که اگر برای قوانین ضمانت اجرا تعیین نگردد، همانند بی‌قانونی می‌باشد. فلذا، قانون بدون الزام آور بودن، یک هنجار معمولی بیش نمی‌باشد.

معطوف به آینده: اثر قانون نسبت به آتیه است. قانون عطف به ماسبق نمی‌شود. قاعده قبح عقاب بلا بیان نیز بر همین امر تاکید می‌ورزد. تسری قانون به گذشته خلاف آزادی‌های فردی است.

مصوب مرجع ذی صلاح: هر مرجعی صلاحیت وضع ماده آمرانه و عام را ندارد. تعدد مراجع قانون گذاری موجب تضییع و پایمال شدن حقوق و سردرگمی شهروندان را فراهم آورد. تعدد مراجع قانون گذاری یکی از نشانه‌های عدم پابندی به حاکمیت قانون نیز می‌باشد.

۲-۲. ویژگی‌های عرضی قانون

قانون باید رافع نیازها باشد: باید پاسخگوی نیازها، خواسته‌های افراد و منطبق با آنان باشد. قانون‌نویسی پشت درب‌های بسته و بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی، کار عبث و بی‌هدفی می‌باشد.

قانون باید منعکس کننده نظر اکثریت و تضمین حقوق اقلیت باشد: قانون باید بیان کننده خیر عمومی اکثریت افراد باشد. ولی نباید از حقوق اقلیت غفلت بورزد. چنین قانون‌نویسی موجب می‌گردد با احترام و میل درونی از آن تبعیت گردد. برگزاری همه‌پرسی را می‌توان نشانه‌ای از همین خصوصیت دانست (راسخ، ۱۳۸۵).

قانون باید مستمر و باثبات باشد: قانون‌نویسی امر تعطیل‌برداری نیست و قبل از نسخ، هر مصوبه‌ای باید قبل از آن، مصوبه‌ای تهیه و ابلاغ گردیده باشد.

۳. مراجع قانون گذاری در نظام حقوقی ایران

برای کشوری که نظام دموکراسی را انتخاب نموده و حکومت و قدرت از آن ملت می‌باشد، بدون تردید پارلمان یکی از عناصر متشکله دولت می‌باشد. پارلمان در ابتدا، برای محدود کردن قدرت مطلقه و نامحدود پادشاهان و تعیین میزان مالیات برای تامین هزینه‌های دستگاه دولتی تشکیل

گردید. اما به مرور زمان، سازوکار پارلمان تغییر کرد و امروزه پارلمان برای محدود کردن قدرت مطلق تشکیل نمی‌گردد، بلکه سالیان شاید قرون متمادی است که قدرت مطلق و نامحدود مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است.

تغییر نگرش به کارکرد پارلمان در عصر حاضر موجب گردیده است پارلمان مکانی برای مبارزه ایدئولوژی‌هاست، جایگاهی برای حضور تمام منافع اجتماع در آن می‌باشد. جایگاهی که نمایندگان که وکلای تمام سلاقی و خواست‌ها و منافع‌های گوناگون هستند، بر اساس مقررات خاصی با دقت و مداقه به شور و بررسی امور مشغول می‌گردند و در نهایت، بر اساس نظر اکثریت که همان تأمین‌کننده منفعت عام‌تر می‌باشد، رای و نظر خود را تبدیل به یک مصوبه عام‌الشمول می‌گردانند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع عصر تازه‌ای در تاریخ ایران به شمار می‌رود. کشوری که چندین هزار سال تحت سلطه‌ی شاهان و استعمارگران قرار داشت، از بند زنجیر اسارت رها شده و سرنوشت آن را مردم مسلمان و انقلابی رقم زدند. در یک کلام، ظهور انقلاب اسلامی ایران حاصل زحمتهای اولیای دین برای اجرای قوانین اسلام و برپایی حکومت عدل الهی بود. انقلاب ایران هم شکل حکومت را از پادشاهی به جمهوری تغییر داد و هم قوانین و موازین اسلامی را بعنوان زیر بنا و اصل قانون‌گذاری بنیان نهاد.

در اصل ۵۷ قانون اساسی آمده است: قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، مجریه و قضاییه و... که این قوا مستقل از یکدیگرند. در اصل ۵۸ مقرر می‌دارد: اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل برای اجرا به قوه مجریه و مقننه ابلاغ می‌گردد. در اصل ۵۹ بیان شده است: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد.

طبق تصریح قانون‌گذار اساسی، در ایران، دو مرجع قانون‌گذاری وجود دارد: یکی مجلس شورای اسلامی که مرجع تصویب قوانین عادی می‌باشد و دیگری، نهاد همه‌پرسی که در موارد مهم و خاص می‌تواند مرجع تصویب قانون باشد (مهرپور، ۱۳۹۴). اما در ایران، همانطور که تفصیل آن بعداً خواهد آمد، مجلس شورای اسلامی تنها نهاد قانون‌گذاری نمی‌باشد و به تنهایی نیز قادر به تصویب قانون نمی‌باشد، بلکه از جنبه نظارت بر آن، شورای نگهبان قرار داده شده است. اما نهادهای دیگری چون مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی امنیت ملی، شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز از نهادهایی می‌باشند که در وضع قانون در کنار مجلس شورای اسلامی قرار دارند. هرچند تنها مرجع وضع قانون به صراحت قانون اساسی، مجلس می‌باشد، اما در عمل،

نهادهای دیگری نیز به این مهم مشغول می‌باشند و وضعیت قانون‌گذاری در ایران تا حد زیادی متفاوت از کشورهای دیگر می‌باشد.

۳-۱. مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی، مهمترین رکن تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در نظام جمهوری اسلامی است که جهت اداره کشور، وظیفه وضع قانونگذاری، اصلاح و نسخ برخی قوانین را برعهده دارد. این قوه بر اساس قانون اساسی، مظهر قدرت و حکومت مردم و تبلور اراده آن و به تعبیر واضح‌تر مصداق خارجی، جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی است. روش کار قوه مقننه به صورت شورایی است که مطابق نص صریح قرآنی، اهمیت آن آشکار می‌شود (قرآن کریم، سوره شورا، آیه ۳۷ و آل عمران آیه ۱۵۹).

قوه مقننه در جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی از طریق مجلس شورای اسلامی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعد می‌آید، برای اجراء به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد (اسدیان، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

قوه مقننه در ایران تک مجلسی است. «قانونگذاری» در کنار «نظارت» یکی از کار ویژه‌های اصلی مجلس شورای اسلامی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. اعمال صلاحیت قانونگذاری از سوی این نهاد همانند نهادهای قانونگذار در سایر جوامع بشری، مستلزم رعایت تشریفات خاصی است و تنها با رعایت این تشریفات شکلی از سوی نهاد ذیصلاح قانونی است که می‌توان اقدام به وضع مقرره‌های الزام‌آوری تحت عنوان «قانون» کرد.

باید به این نکته نیز توجه کرد که بعد از انقلاب و با توجه به نظریه ولایت مطلقه فقیه امام راحل، فرایند قانون‌گذاری و مجلس قانون‌گذار فراز و نشیب بسیاری را طی کرده است تا به جایگاه امروزی آن رسیده است (فیرحی، ۱۳۹۴).

در شرایط کنونی که فقط یک مجلس تقنین وجود دارد، هرچند در عمل دو نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نیز در این فرایند دخالت دارند، اما با صراحت قانون اساسی آن دو مرجع قانون‌گذار نیستند.

مجلس شورای اسلامی طبق اصل ۶۲ قانون اساسی از نمایندگان ملت که بطور مستقیم و با رای مخفی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌گردد. دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۴ سال می‌باشد و منعی برای انتخاب مجدد نمایندگان وجود ندارد. قانون اساسی در اصل ۶۳ مصرح می‌دارد که انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار گردد، بطوریکه کشور در هیچ مقطعی از زمان نباید بدون مجلس باشد. در ایران، حق انحلال مجلس به رسمیت شناخته نشده است. برخلاف

بسیاری از کشورها که این حق به بالاترین مقام کشور اعطا شده است (مهرپور، ۱۳۹۴)، مجلس توسط هیات ریسه‌ای مرکب از رئیس، دو نائب‌الرئیس و شش منشی و سه کارپرداز اداره می‌شود (ماده ۱۴ آیین‌نامه داخلی مجلس).

سازوکار مجلس شورای اسلامی برای تصمیم‌گیری و تصویب قوانین بر مبنای رای‌گیری و حد نصاب مشخصی می‌باشد. در اصل ۴ قانون اساسی آمده است: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل گویای این است که قانون‌گذار عادی باید از شرع و موازین اسلامی تبعیت نماید و نمی‌تواند قوانینی وضع نماید که با شرع مخالف باشد. اندیشه‌های گوناگونی پیرامون تبعیت عرف از شرع وجود دارد و این که مصوبات مجلس باید مطابق با شرع باشد یا باید عدم مغایر باشد؟ در اصل ۴ قانون اساسی همانطور که بیان شد، اشاره به انطباق دارد؛ یعنی کلیه قوانین و مقررات باید مطابقت کاملی با شرع داشته باشد. در اصل ۷۲ قانون اساسی مقرر شده است: مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. در اصل، بر این نکته توجه شده است همین که قوانین مصوب مجلس مخالف با شرع نباشد، کفایت می‌کند.

حدود اختیارات مجلس شورای اسلامی در اصل ۷۱ تعیین گردیده است: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. دامنه شمول مجلس در حدود مصرح در قانون اساسی می‌باشد و خارج از آن، از موارد رد مصوبه محسوب می‌شود.

۲-۳. قوه مجریه

یکی از قوای حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران طبق اصل ۵۷ قانون اساسی، قوه مجریه می‌باشد. قوه مجریه ایران مجریه نیمه‌ریاستی-نیمه‌پارلمانی می‌باشد. از آن جهت نیمه‌ریاستی است، زیرا رئیس‌جمهور توسط مردم و در پی انتخابات عمومی و آزاد انتخاب می‌گردد، اما از سوی دیگر، وزراء باید برای رای اعتماد و آغاز به کار، از مجلس رای بگیرند. بنابراین، شکل مجریه ایران، تا حدی متفاوت از اشکال رایج می‌باشد. اصل ۱۳۸ قانون اساسی بیان می‌دارد که هیات وزیران می‌تواند در جهت انجام وظایف اداری و تامین اجرای قانون و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه پردازد... تصویب‌نامه‌ها و آئین‌نامه‌های دولت ضمن ابلاغ برای اجرا باید به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی نیز برسد. در اصل ۸۵ قانون اساسی مقرر شده است: سمت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار

قانون‌گذاری را به شخص یا هیاتی واگذار نماید، اما می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکتها و... با رعایت اصل ۷۲ به دولت واگذار نماید.

با بررسی این دو اصل محرز می‌گردد مجریه در ایران دارای قدرت نظامنامه‌ای می‌باشد. یعنی با تصویب آیین‌نامه‌های ماهوی یا تصویب‌نامه‌ها خود تصمیم قابل اجرا می‌گردد. شریک و سهیم بودن مجریه در صدور قواعد عام و کلی شبیه به عمل قانون‌گذاری می‌باشد. با اعطاء قدرت نظامنامه‌ای قوه مجریه در چارچوب قانون‌گذاری ورود می‌کند (قاضی، ۱۳۸۶). قوه مجریه در مقام اجرا با نیازهای جامعه و حقوق و تکالیف آن‌ها سرو کار دارد، به همین جهت، با تشخیص ضرورت‌های قانونی مبادرت به تهیه لایحه می‌نماید (هاشمی، ۱۳۸۷).

لایحه پیشنهادی است که از جانب دولت داده می‌شود، لایحه مرحله‌ای را قبل از تقدیم به مجلس طی می‌نماید. پیشنهادات پائین‌ترین مامورین اجرائی جمع می‌شود، بررسی‌های مختلف نسبت به آن انجام می‌گیرد، اشکالات و ایرادات به آن ارزیابی و طرق رفع آن در نظر گرفته می‌شود. اگر موضوع لایحه مربوط به یک وزارت باشد، باید آن وزارت ضرورت آن را احساس کند. آخرین اقدام لایحه در قسمت قوه مجریه آن است که هیئت وزیران آن را تصویب نماید (مدنی، ۱۳۸۷).

در همین راستا، قسمت اول اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی بیان می‌دارد: «لوايح قانونی پس از تصویب هیأت وزیران به مجلس تقدیم می‌شود. این صلاحیت با عنایت به تخصص و ارتباط مستقیم قوه مجریه با نیازهای روز جامعه به طور انحصاری به «هیأت وزیران» اعطاء شده است. لوايح قانونی که از جانب دولت به مجلس پیشنهاد می‌شود، طبق ماده یکصدوسی‌پنجم آئین‌نامه داخلی مجلس باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- دارای موضوع و عنوان مشخص باشد. ۲- دلایل لزوم تهیه و پیشنهاد آن در مقدمه لایحه به وضوح درج شود. ۳- دارای موادی متناسب با اصل موضوع و عنوان لایحه باشد (ماده ۱۳۵ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی).

نوشتن و تنظیم لایحه کار تخصصی است و اگر دقت کافی مبذول نگردد، آشفتگی در مقررات کشور بوجود می‌آید و همچنین، برابر ماده یکصدوسی‌وششم آئین‌نامه داخلی «طبق اصل هفتاد و چهارم (۷۴) قانون اساسی کلیه لوايح قانونی تقدیمی به مجلس باید به امضای رئیس‌جمهور و وزیر یا وزرای مسؤؤل رسیده باشد. در صورت نداشتن وزیر مسؤؤل، امضای رئیس‌جمهور کافی است» (ماده ۱۳۶ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی).

در همین راستا، ماده ۱۳۷ آئین‌نامه داخلی مقرر می‌دارد: «لوايح قانونی باید در جلسه علنی مجلس توسط وزیر مربوط و یا نماینده دولت تقدیم گردد و در موقع طرح آن نیز باید وزیر مربوط یا یکی از وزرا به تناسب موضوع حاضر باشد (ماده ۱۳۷ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای

اسلامی). معاونان رئیس‌جمهور و وزراء، رئیس یا نائب رئیس شورای عالی استانها که به صورت رسمی به مجلس معرفی شده باشند، می‌توانند حسب مورد در جلسات مجلس و کمیسیون‌ها برای توضیح و دفاع لازم حضور یابند.

دولت پس از بررسی کامل مراتب نیاز به قانون و مطالعه همه‌جانبه آن، مبادرت به تهیه و تدوین لایحه برای تقدیم به مجلس می‌نماید. اما ممکن است پس از تقدیم لایحه، به خاطر پاره‌ای از ملاحظات فنی و یا سیاسی، بررسی لایحه در مجلس را به صلاح نداند و استرداد آن لایحه را از مجلس بخواهد. برابر ماده یکصدوسی و هشتم آئین‌نامه داخلی مجلس «استرداد لوایح قانونی با تصویب هیأت وزیران به ترتیب ذیل امکان‌پذیر خواهد بود:

۱- در صورتی که استرداد پیش از تصویب کلیات لایحه در مجلس باشد، رئیس‌جمهور کتباً با ذکر دلیل آن را مسترد می‌نماید و گزارش آن در جلسه علنی اعلام می‌شود. ۲- در صورتی که استرداد پس از تصویب کلیات لایحه و در هر مرحله تا پیش از تصویب نهائی باشد، وزیر مربوط یا یکی از معاونان رئیس‌جمهور به تناسب موضوع ضمن ارائه درخواست رئیس‌جمهور می‌تواند با ذکر دلیل در جلسه علنی مجلس و صحبت یک نفر مخالف هر یک به مدت ده دقیقه و تصویب مجلس، آن را مسترد نماید. ۳- یک نسخه از کلیه طرحها و لوایحی که تقدیم مجلس می‌شود، پس از اعلام وصول، از طریق رسانه‌ها در اختیار عموم قرار می‌گیرد (ماده ۱۳۸ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی).

۳-۳. مجمع تشخیص مصلحت نظام

قطعیت و حاکمیت نظر شورای نگهبان در مورد تشخیص تعارض یا عدم تعارض مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی در مقابل مجلس با تصویب اصل ۱۱۲ در بازنگری قانون اساسی دچار تزلزل گردید.

چاره‌اندیشی در برابر تعارض «مصلحت» و «شرع» سبب شکل‌گیری نهادی با عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام شد. اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی، کارکرد مجمع را «تشخیص مصلحت نظام در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند...» بیان کرده است. اداره امور مجمع بر مبنای آیین‌نامه داخلی مجمع است و در آیین‌نامه مذکور سه رکن اصلی آن یعنی کمیسیونها، دبیرخانه و شورا به تفصیل تشریح شده است. در قانون اساسی مصوب ۵۸ در رابطه طولی مجلس و شورای نگهبان، برای مجلس هیچ راهی جز تبعیت از نظر شورای نگهبان باقی نماند. اما در جریان عمل به خاطر اعلام مخالفت‌های مکرر شورای نگهبان

با مصوبات مجلس به دلیل مخالفت آنها با شرع و اصرار مجلس بر ضرورت این مصوبات، این دو نهاد در عمل رودرروی یکدیگر قرار گرفتند (هاشمی، ۱۳۸۷).

اختلاف نظر بین مجلس و شورای نگهبان در مورد قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۰ و لایحه قانون کار بیش از همه بروز کرد و دو اصطلاح (ضرورت - مصلحت) را وارد سیستم قانونگذاری ما کرد که یکی از آنها سرانجام موجب تشکیل نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام و محدود کردن اعتبار تشخیص شورای نگهبان شد (مهرپور، ۱۳۷۴).

اختلافات موجود باعث گردید تا رؤسای سه قوه و نخست‌وزیر وقت و... طی نامه‌ای خطاب به امام خمینی (ره) از ایشان خواسته‌اند که برای حل عملی مسائل، مرجعی را تعیین کنند. در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷، امام خمینی (ره) فرمان تشکیل نهاد مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر نمودند. مجمع تشخیص مصلحت نظام که در اواخر بهمن ۶۶ تشکیل شد، در ابتداء امر، هم در محدوده موارد اختلاف مجلس و شورای نگهبان به تشخیص مصلحت اقدام می‌کرد و آن چه را که به مصلحت اهم تشخیص می‌داد، خواه موافق نظر مجلس و یا شورای نگهبان باشد و یا نظر ثالث، اعلام می‌کرد و هم به لحاظ اختیار قانونگذاری که امام راحل به آن تفویض نموده بودند، بدو مبادرت به تصویب قوانین از جمله قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا... و قانون تعزیرات حکومتی می‌کرد. اما بعداً امام (ره) در تاریخ ۶۷/۱۰/۸ طی نامه‌ای به اعضای مجمع، حق قانونگذاری بدوی را از آن سلب نمودند.

از این رو، پس از قانونمند شدن مجمع، طی همه‌پرسی و بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ و براساس اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است، به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضاء ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضاء تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید» تغییر نموده و مجمع مبادرت به تصویب قوانین ابتدایی کرده است، نظیر قانون حق کسب و پیشه و... این در حالی است که به عقیده برخی صاحب‌نظران، این نگرانی وجود دارد که مجمع به عنوان قدرت چهارم در عرض سه قوه مطرح باشد (شریعتی، ۱۳۸۰).

چنانچه مجلس نتواند ایرادات شورای نگهبان نسبت به مصوبه خود را مرتفع نماید و به عبارت دیگر، بر مصوبه سابق خود اصرار ورزد، در این صورت، موضوع بنا به درخواست مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد. در صورت احراز مصلحت، مصوبه مجلس را تأیید می‌نماید و در این صورت، پس از ارجاع آن به مجلس شورای اسلامی، مجدداً مراحل لازم نظیر

ارسال برای رئیس‌جمهور و انتشار در روزنامه رسمی طی می‌شود.

روند ارجاع مصوبات مجلس به مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اساس قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی بدین گونه است که «پس از بررسی گزارش کمیسیون که در آن نظر شورای نگهبان ملحوظ شده است و رأی‌گیری نسبت به آن، مصوبه مجدداً به شورای نگهبان ارسال می‌شود. اگر این مصوبه هنوز وافی به نظرات شورای نگهبان نباشد، مجدداً در مجلس مطرح می‌گردد. در صورتی که مجلس با در نظر گرفتن حفظ مصلحت نظام همچنان بر رأی خود باقی باشد، رئیس مجلس مصوبه مذکور را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌دارد. مجمع موظف است تنها در موارد اختلاف و دیگر موارد مربوط به آن اظهار نظر قطعی نموده و گزارش آن را جهت طی مراحل بعدی به رئیس مجلس اعلام نماید» (ماده ۲۰۲ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی).

۳-۴. شورای عالی امنیت ملی

تأمین امنیت ملی و تدبیر برای حفظ آن مسلماً دغدغه خاطر هر نظام حکومتی است. معمولاً در هر کشوری هیأت یا شورایی از مقامات رده بالای حکومتی تشکیل می‌گردد و با اتخاذ تصمیماتی، سعی در هماهنگی نهادها و ساختارهای جامعه با مقوله امنیت می‌باشند (مهرپور، ۱۳۹۴). پیشینه‌ای در خصوص شورای عالی امنیت ملی پیشینه وجود دارد. اما در قانون اساسی ۱۳۵۸ شورای عالی امنیت ملی وجود نداشت. در قانون اساسی ۵۸ این شورا با نام شورای عالی دفاع مورد شناسایی قرار گرفته است و در بازنگری، اسم این شورا به شورای عالی امنیت ملی تغییر کرد. و در اصل ۱۱۰ قانون اساسی، قبل از بازنگری، بدان تصریح گردیده بود.

همه نظام‌های سیاسی دنیا با مباحثی همچون دفاع و سیاست خارجی و امنیت سروکار دارند و از مهم‌ترین کار ویژه‌های دولت‌ها تأمین امنیت شهروندان و همه افرادی است که در قلمرو سیاسی آن دولت زندگی می‌کنند. تأمین امنیت بحث مهمی است و در نظام جمهوری اسلامی ایران هم مهم بوده و به همین دلیل، در قانون اساسی ۱۳۵۸ شورای عالی دفاع پیش‌بینی گردید. وظایف این شورا متمرکز بر دفاع از نظام و موجودیت و امنیت ملی کشور بود. در طول ده سالی که از انقلاب گذشت، ارتباط شورای عالی دفاع با حوزه‌های مختلف مشخص‌تر شد. لذا، هنگام تجدیدنظر قانون اساسی، پیرامون وظایف شورای عالی دفاع در مجلس بازنگری پیشنهاد شد که حوزه سیاست خارجی و داخلی و توطئه‌ها را در ابعاد مختلف نظامی، فرهنگی، اقتصادی و... در بر بگیرد و عنوانش هم شورای عالی امنیت ملی شود. لذا، سیاست خارجی، امنیت داخلی، دفاع و مسائلی از این قبیل در حوزه اختیارات این شورا قرار گرفت.

در اصل ۱۷۶ قانون اساسی، اهداف و فلسفه شکل‌گیری شورای عالی امنیت ملی در صدر اصل بیان شده است و این امر جایگاه ویژه‌ای را به این نهاد می‌دهد. برخی از نهادها فرابخشی و برخی بخشی هستند و نهادهای فرابخشی جایگاه ویژه‌ای دارند. زیر نظر یک قوه و یکی از نهادهای ثلاثه کشور نیستند و با تمامی قوا در ارتباط‌اند و جنبه سیاسی و حاکمیتی دارند. یکی از این نهادهای ویژه شورای امنیت ملی است که در قانون اساسی بیان شده است. ولی شورای عالی امنیت ملی، فرابخشی می‌باشد؛ یعنی فرا قوه و زیرمجموعه یکی از این قوا نیست و زیرمجموعه یک بخش نیست و هر سه قوه در آن دخالت دارند، مثل نهاد صداوسیما.

درست است که نظارت اصلی با رهبری است، ولی نظارت جزئی با سه قوه هست و زیرمجموعه قوه مقننه و مجریه و قضاییه نیست. شورای عالی امنیت ملی نیز چنین است. هرچند زیر نظر رئیس‌جمهور است، ولی نمی‌توان آن را زیرمجموعه یک قوه در نظر بگیریم، چراکه از هر سه قوه در آن حضور دارند. قانون اساسی در اصل ۵۷ می‌گوید «قوای حاکم در جمهوری اسلامی قضاییه، مجریه و مقننه است». اول می‌گوید قوای حاکم و این‌ها بخش‌های اصلی است و دیگر بخش‌ها را بیان نکرده است. قوای حاکم زیر نظر رهبری و رهبری عالی‌ترین مقام کشور است و فراتر از بخش‌ها هست. عالی‌ترین مقام رسمی کشور اول رهبری و بعد رئیس‌جمهور هست و بنابراین، همه این‌ها زیر نظر رهبری است

در اصل ۱۷۶ آمده است که مصوبات شورا بعد از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است. معمولاً ما از قابلیت اجرا، لزوم را متوجه می‌شویم. چیزی که عملاً در عرف حقوقی شناخته شده است، لازم‌الاجرا بودن پس از تصویب مقام معظم رهبری است. مثلاً در قانون مطبوعات در ماده ۶ وقتی صحبتی برخلاف مصوبات شورای عالی امنیت ملی انجام شود، با آن نشریه برخورد می‌شود؛ بنابراین، مصوبات لازم‌الاجرا هستند که برخورد با آن قابلیت اعمال دارد.

در سلسله‌مراتب هنجاری کشور، وقتی می‌گوییم سلسله‌مراتب یعنی یکی از هنجارها در مرتبه بالاتر است و هنجار بعدی پایین‌تر و هنجار دیگر پایین‌تر و همین روند ادامه دارد. هنجار اصلی در نظام سیاسی ما که مردم هم به آن رأی داده‌اند، اسلام است که اصل ۴ قانون اساسی هم به آن اشاره کرده است. بعد، قانون اساسی است و بعد، فرامین رهبری یا احکام حکومتی و یا سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری. بعد از سیاست‌ها، قانون عادی است که طبق اصل ۵۸ قانون اساسی توسط مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود. بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی ایران نهاد شورای عالی امنیت ملی نیز در امر قانون‌گذاری دخالت دارد و چه بسا مصوبات آن فراتر از مصوبات قانون‌گذار عادی قرار می‌گیرد.

۴. مجالس قانون‌گذاری و سایر نهادها در کشور مالزی

مالزی به لحاظ ساختار سرزمینی و درونی، یک دولت فدرال مرکب از دو بخش ایالات و سرزمین‌های فدرال می‌باشد که مجموعاً یک دولت را تشکیل می‌دهند (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۰۹). این کشور دارای سیزده ایالت و سه سرزمین فدرال است که از میان آن‌ها، نه ایالت دارای سلطان و ریاست چهار ایالت ملاکا، پنانگ، صباح و ساراواک، با فرماندار یا وزیر اعظم است که پادشاه آن‌ها را انتخاب می‌کند. سلطان رئیس تشریفاتی ایالت و رئیس مذهب اسلام در داخل ایالت و نگهبان سنت‌های مالایی است. کوالالامپور، پوتراجایا و لابوآن نیز سرزمین‌های فدرالی این کشور را تشکیل می‌دهند (عباسی و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۱۶-۱۱۷).

کشور مالزی با وصف رسمیت دین اسلام در این کشور، در زمره دولت‌های اسلامی است (نور هفی الله^۱، ۲۰۰۸: ۳۸) نظام سیاسی این کشور بر دموکراسی پارلمانی استوار و دارای حکومت سلطنتی مبتنی بر قانون اساسی یا مشروطه سلطنتی است. قدرت قانونگذاری در دست پارلمان و قدرت اجرایی در اختیار هیأت وزیران و در رأس آن نخست وزیر قرار دارد. پادشاه توسط شورای سلطنتی یا شورای پادشاهان (متشکل از سلاطین نه ایالت مالزی) و هر پنج سال یک بار از میان نه سلطان ایالت مالزی انتخاب می‌شود. وی عالی‌ترین مقام رسمی کشور است، ولی دارای اختیارات محدودی بوده و در واقع، بیشتر نقش تشریفاتی دارد.

مالزی کشوری است با ساختار دموکراسی پارلمانی که زیر نظر پادشاه به عنوان رئیس کشور اداره می‌شود. بدلیل اینکه کشور به شیوه فدرالیسم اداره می‌شود، پارلمان دو مجلسی می‌باشد. پارلمان نماد دموکراسی دولت است که منعکس کننده خواست مردم از طریق انتخاب نمایندگان خود می‌باشد. پارلمان اصلی‌ترین نهاد قانون‌گذاری در کشور مالزی می‌باشد و این نهاد قانون‌گذاری متشکل از سه رکن می‌باشد. این سه رکن عبارتند از: پادشاه، مجلس نمایندگان، مجلس سنا.

۴-۱. مجالس قانون‌گذاری

۴-۱-۱. مجلس نمایندگان

در مالزی، مجلس نمایندگان مرجع قانونگذاری و نظارت است و دوره آن همانند بسیاری از کشورهای غربی از جمله انگلیس، فرانسه و آلمان پنج سال است. اعضای این مجلس پس از انجام یک انتخابات عمومی، به صورت تک نام و یک مرحله‌ای و بر اساس اکثریت نسبی آرای مردم انتخاب می‌شوند. حزبی که اکثریت اعضا را در مجلس نمایندگان داشته باشد، دولت فدرال را

^۱. Nurhafilah

تشکیل خواهد داد. در پایان هر دوره، مجلس منحل و به عضویت تمامی نمایندگان خاتمه داده می‌شود. باید در خلال شش روز پس از انحلال مجلس، انتخابات عمومی برگزار گردد و در مدت یکصد و بیست روز، نمایندگان برای تشکیل جلسه از سوی پادشاه فرا خوانده شوند.

اجلاسیه مجلس که یک سال به طول می‌انجامد و همانند انگلستان با سخنرانی پادشاه آغاز به کار می‌کند و طی دوره ۵ سال، پنج اجلاسیه یک ساله دارد. در این جلسه سخنرانی، دولت برنامه قانونگذاری خود را مطرح می‌نماید. این جلسه زمانی که پارلمان تعطیل می‌شود، پایان می‌یابد. در لوایحی که در طی این جلسه مطرح ولی به تصویب نرسد، تصویب آن به جلسه بعدی منتقل می‌شود. پارلمان باید مجدداً در مدت شش ماه از آخرین نشست در جلسه قبلی، تشکیل جلسه آینده را اعلام و از اعضاء دعوت به عمل آورد. این فرآیند تا انحلال مجلس ادامه می‌یابد (هاردینگ^۱، ۱۹۹۶: ۹۵).

به منظور جلوگیری از انتخابات میان‌دوره‌ای، پیش‌بینی شده است که اگر عضو پارلمان از کرسی خود بنا به هر دلیلی در مجلس نمایندگان استعفا دهد، به مدت ۵ سال از عضویت در مجلس رد صلاحیت می‌شود. طبق قانون اساسی، کرسی خالی باید از طریق برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس نمایندگان و یا انتصاب در مجلس سنا در مدت ۶۰ روز پر شود (هاردینگ^۲، ۱۹۹۶: ۹۳).

مجلس نمایندگان یکی از دو مجلس مالزی می‌باشد که نمایندگان مردم طی یک انتخاب برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند. و بعد از پایان دوره منحل می‌گردد. البته، پادشاه نیز حق انحلال پارلمان را دارد. از آنجایی که کشور مالزی سالیان متمادی جز مستعمره انگلستان بوده است، بعد از استقلال نیز با ساختارهایی شبیه همان کشور اداره می‌شود. در انگلستان، پادشاه حق انحلال مجلس را دارد. نمایندگان مجلس از مصونیت و آزادی در گفتار و اعمال خود در مقام نمایندگی برخوردار می‌باشند، اما کمیته حقوق و آزادی مجلس این حق را دارد که نمایندگان را مورد مواخذه قرار دهد. نمایندگان در خارج از مجلس و رفتاری خارج از چارچوب نمایندگی مصونیت ندارند و در صورت ارتکاب جرم علیه امنیت ملی، توهین به پادشاه فدرال یا هشت پادشاه دیگر، مقام نمایندگی از آنان سلب خواهد شد. مجلس سنا و نمایندگان هر دو آیین‌نامه مستقل برای خود دارند. نمایندگی دارای مصونیت می‌باشند. و برای اموری که در مقام نمایندگی ایفا کرده‌اند، قابلیت شکایت و تعقیب را ندارند.

از آن جایی که احزاب نقش بسیار مهمی در این کشور ایفا می‌کنند، و حزب حاکم در مجلس دولت و قوه مجریه را در اختیار دارد، می‌توان گفت مجلس همان قوانینی را تصویب می‌کند که

۱. Harding

۲. Harding

دولت بدانها نیازمند است. برای نمایندگی مجلس شرایطی را قانون تعیین نموده است:

- حداقل سن ۲۱ سال، عاقل بودن، دارا بودن تابعیت مالزی، ورشکسته نبودن، عدم شغل دوم، عدم ارتکاب به جرایم کیفری.

نمایندگان مجلس باید قبل از جلوس بر کرسی پارلمان، در برابر رئیس مجلس سوگند یاد کنند و حافظ قانون اساسی باشند. نخست وزیر فردی است که از طرف پادشاه انتخاب می‌گردد و دارای بیشترین حمایت از سوی نمایندگان دیگر باشد (قانون اساسی مالزی، اصل ۴۳) و از جبهه اقلیت فردی که بیشترین محبوبیت را دارا باشد، به عنوان رئیس اپوزسیون منصوب می‌گردد و مجلس نمایندگان توسط رئیس مجلس که از سوی نمایندگان احزاب انتخاب می‌گردد و دو معاون اداره می‌شود. مجلس نمایندگان از کمیته‌هایی برای انجام دقیق و تخصصی امور تشکیل شده:

- کمیته انتصابات: از رئیس مجلس و شش نماینده تشکیل شده که یکی از وظایف آنها، اطلاع‌رسانی پیرامون نماینده یا نمایندگانی که به عضویت کمیته‌ها درآمده‌اند.

- کمیته امور مالی: این کمیته ۱۱ یا دوازده نفر عضو دارد که نظارت بر دولت از جهت بودجه تنظیمی و بررسی ارگانها و سازمانهای بزرگ که از جهت امور مالی به مجلس معرفی می‌شوند.

- نظارت و بررسی گزارش محققین پیرامون اصل ۱۰۷ قانون اساسی.

- کمیته آئین‌نامه: بلافاصله بعد از تشکیل مجلس تشکیل می‌گردد و آئین‌نامه تشکیل جلسات را

بر عهده دارد.

- کمیته مجلس: وظیفه ارائه راهکار و پیشنهاد به رئیس مجلس را دارد. در جهت ارائه بهتر

خدمات رفاهی و تفریحی نمایندگان مجلس، راهکارهایی را ارائه می‌دهد.

- کمیته حقوق و آزادیها: این کمیته همان کمیته انضباطی می‌باشد که در جهت رفتار و عملکرد

نمایندگان فعالیت می‌نماید. حق احضار نمایندگان و صدور بیانیه را نیز دارد.

۴-۱-۲. مجلس سنا

انتخابات مجلس سنا به صورت همگانی نیست و شمار نمایندگان آن از مجلس نمایندگان کمتر است. این مجلس دارای ۶۸ عضو است، ۲۶ نفر از آنها توسط شوراهای ایالتی قانونگذاری انتخاب می‌شوند که ۲ نفر از هر ایالت بدون در نظر گرفتن اندازه، اهمیت (ایالت) می‌باشند. این افراد نباید به طور همزمان، عضو شوراهای قانونگذاری ایالتی هم باشند. ۴۲ عضو دیگر همانند مجلس اعیان انگلیس با مشورت و توصیه‌ی دولت توسط پادشاه نصب می‌شوند و باید افرادی باشند که خدمات عمومی برجسته و شاخصی انجام داده یا در حرفه‌ها، تجارت، صنعت، کشاورزی، فعالیت‌های فرهنگی یا خدمات اجتماعی به عنوان نخبه شناخته شده باشند، یا نماینده اقلیت‌های قومی باشند و

یا نماینده منافع و منویات بومیان باشند. از سال ۱۹۸۴، دو نفر از اعضای منتخب برای نمایندگی از سوی قلمرو فدرال انتخاب می‌شوند. دوره‌ی تصدی نمایندگی سناتورها برای مدت ۳ سال می‌باشد و انحلال پارلمان همانند دیگر کشورهای دارای نظام دومجلسی در این مجلس تأثیری ندارد. همچنین، یک سناتور نمی‌تواند بیش از یک دوره در این نهاد، تصدی داشته باشد (عباسی و جعفری، ۱۳۹۰: ۱۱۹).

مجلس سنا بالاترین مجلس نمایندگی مردم در مالزی می‌باشد که ۷۰ سناتور عضو دارد. برای عضویت مجلس سنا، شرایط ذیل ضروری می‌باشد:

- حداقل سن ۳۰ سال
- عاقل بودن
- دارا بودن تابعیت مالزی
- ورشکسته نبودن
- نداشتن سابقه زندان یکسال یا بیشتر

دوره نمایندگی در مجلس سنا سه سال می‌باشد که قابلیت تمدید برای یک دوره را دارا می‌باشد. انحلال مجلس نمایندگان توسط پادشاه تأثیری بر مجلس سنا نخواهد داشت. یکی از وظایف و کارکرد مجلس سنا، بررسی دوباره لوایح و طرح‌های مجلس نمایندگان می‌باشد. درباره تجدیدنظر در قانون اساسی، مجلس سنا دارای حق وتو می‌باشد و طبق اصل ۵۸ قانون اساسی برای تجدیدنظر در قانون اساسی، رای دو سوم نمایندگان هر مجلس ضروری می‌باشد. کمیته‌های مجلس سنا، همانند مجلس نمایندگان و با همان شرح وظایف می‌باشند. مجلس سنا دارای آیین‌نامه داخلی و مستقل از مجلس نمایندگان می‌باشد.

۳-۱-۴. پادشاه

پادشاه از میان شورای سلاطین نه گانه کشور برای مدت ۵ سال انتخاب می‌گردد. پادشاه‌شان رئیس کشوری را دارا می‌باشد. پادشاه ریاست مجلسین را برعهده ندارد، اما در آغاز کار هر دوره پارلمان در جمع نمایندگان به ایراد سخنرانی و بیان رهنمودها و فرامین سلطنتی می‌پردازد. افتتاح جلسات پارلمان مالزی در هر دوره به عهده پادشاه می‌باشد. پادشاه در هر دوره افتتاحیه مجلس، چارچوب‌های رشد و توسعه ملی مالزی را بیان می‌دارد و به نوعی با ایراد سخنرانی، خط‌مشی و سیاست‌گذاری کلانی را تعیین می‌نماید. پادشاه در امر تقنین دخالتی ندارد، اما بعنوان رئیس کشور، موافقت نهایی خود را با قانون اعلام می‌دارد.

۴-۲. سایر مراجع و نهادها

۴-۲-۱. قوه مجریه

یکی از نهادهایی که در عرصه قانون‌گذاری دارای صلاحیت می‌باشد، قوه مجریه می‌باشد، اما صلاحیت مجریه، صلاحیت استثنایی و خاص می‌باشد و به موجب قانون ایجاد شده است. عمل قوه مجریه در حکم قانون‌گذاری می‌باشد (قاضی، ۱۳۸۶). در ساختار سیاسی مالزی، نخست‌وزیر رئیس دولت به شمار می‌رود. بر اساس قانون اساسی مالزی، پادشاه می‌تواند یکی از نمایندگان مجلس مالزی را که از مقبولیت لازم در مجلس نمایندگان این کشور برخوردار است، به سمت نخست‌وزیری انتخاب نماید. مدت زمان دوره دولت در مالزی حداکثر پنج سال است که بالطبع، نخست‌وزیر نیز از زمان تشکیل مجلس جدید انتخاب می‌شود. با توجه به جایگاه نخست‌وزیر در مجلس نمایندگان و میزان مقبولیت وی در مجلس برای انتخاب این پست، می‌توان اذعان داشت دولت نقش مهم و اثرگذاری را در فرایند وضع قانون بر عهده دارد. و به نوعی مجریه پارلمانی در این کشور حاکم می‌باشد.

۴-۲-۲. قوه قضائیه

دستگاه قضائی یا قوه قضائیه مالزی یکی از قوای سه‌گانه حکومتی در این کشور است که مجزا و مستقل از دو قوه دیگر یعنی اجرایی و تقنینی عمل می‌نماید و کارکرد اصلی آن، تضمین اجرای قانون اساسی و تحقق عدالت بر اساس قوانین حاکم بر کشور است. علاوه بر این، رسیدگی به اختلافات قانونی میان افراد، و بین دولت و افراد نیز وظیفه اصلی دستگاه قضائی مالزی به شمار می‌رود. از جمله وظایف دادگاه‌های مالزی، تفسیر قوانین است. این قوه، بعنوان نظام حقوقی شناخته می‌شود و اعضای آن شامل قضات و دادرسی‌مندان می‌باشند که معمولاً توسط رئیس کشور (پادشاه) منصوب می‌گردند. این افراد معمولاً وظایف خود را در دادگاه‌ها انجام می‌دهند و با دیگر بخشهای کشور مانند پلیس در اجرای قانون همکاری می‌نمایند. در مجموع، نقش اصلی قوه قضائیه مالزی، تفسیر قوانین، صدور احکام مدنی، رسیدگی به دعاوی کیفری، استماع و رسیدگی به پرونده‌های استیناف، صدور آراء مربوط به خانواده و صدور احکام بازداشت از جمله نقش‌های اصلی قوه قضائیه مالزی می‌باشد. دادستان کل در مالزی دارای وظایفی به شرح ذیل می‌باشد:

- ارائه مشاوره حقوقی به دولت و نهادهای وابسته به دولت در زمینه تمامی جنبه‌های قوانین

بین‌المللی و تعهدات بین‌المللی مالزی در عرصه بین‌الملل

- همسویی و تطبیق قوانین داخلی مالزی بر اساس تعهدات بین‌المللی این کشور به قوانین

بین‌المللی

- کمک به تدوین و تصویب قوانین ذریبط بر اساس تعهد مالزی به معاهدات بین‌المللی
- ارائه مشاوره حقوقی در زمینه تمامی بخشهای حقوقی بجز قوانین بین‌المللی و قوانین اسلام، بر اساس موضوع محوله از سوی دولت
- کمک به تفسیر قوانین در صورت تقاضای دولت
- تهیه پیش‌نویس یا بررسی اسناد قانونی یادداشتهای حقوقی، موافقتنامه‌ها و یادداشت تفاهم‌های امضاء شده از سوی دولت به منظور تضمین منافع دولت
- ارائه مشورت در خصوص موضوعاتی که دولت قصد تنظیم و تهیه پیش‌نویس لوایح قانونی جهت انعکاس تصمیم اصولی دولت و ارائه آن به مجلس جهت تصویب را دارد
- حضور در پارلمان در صورت تقاضا از وزیر کابینه به منظور ارائه کمکهای حقوقی
- ارائه مشاوره حقوقی از منظور قوانین اسلامی در ارتباط با موضوع مورد تقاضا از سوی دولت
- ارائه هرگونه نظر از منظر قانون اسلام در قبال اسناد قانونی مانند کنوانسیون، معاملات، و قوانین پیشنهادی دولت
- تدوین و اصلاح قوانین کلیدی و قوانین فرعی لایحه قانونی به زبان ملی (ملایو) و انگلیسی
- اظهارنظر پیرامون تدوین قوانین کلیدی و قوانین فرعی
- فراهم کردن پیش‌نویس لایحه قانونی به زبان ملی و انگلیسی به منظور طرح در مجلس
- کمک به وزارتخانه‌ها و دیگر نهادهای دولتی در امر طرح لایحه قانونی در مجلس
- فراهم کردن نسخه نهایی قانون مربوطه جهت امضاء پادشاه
- فراهم کردن متن قوانین کلیدی و قوانین فرعی به منظور اعلام رسمی آن در روزنامه دولتی
- ترجمه قراردادها، موافقتنامه‌های داخلی و بین‌المللی، اسناد و مدارک حقوقی دیگر از زبان انگلیسی به زبان ملی و بالعکس. بازبینی و مطالعه قوانین منسوخ و از رده خارج‌شده.
- دادگاه فدرال عالی‌ترین دادگاه در مالزی به شمار می‌رود و مقر آن در کاخ دادگستری است. دادگاه فدرال بر اساس ماده ۱۲ قانون اساسی این کشور تأسیس شده است. این دادگاه پس از قبول درخواست تجدیدنظر، صلاحیت رسیدگی به تمامی پرونده‌های مدنی و یا کیفری که توسط دادگاه تجدیدنظر تصمیم‌گیری شده است را دارد و رأی نهایی از سوی این دادگاه صادر می‌گردد. یکی از کارکردهای اصلی دادگاه فدرال، تشخیص اعتبار قوانین مصوب در مجلس ملی و یا مجالس ایالتی است. دادگاه فدرال همچنین صلاحیت رسیدگی به اختلاف میان ایالت‌های این کشور و یا اختلاف میان دولت مرکزی و ایالتها (ماده ۱۲۸ قانون اساسی) را دارد. دادگاه فدرال در واقع برخاسته از قانون اساسی است و واجد صلاحیت تام و نهایی در ترجمه و تفسیر قانون اساسی مالزی می‌باشد. ماده ۱۳۰ قانون اساسی مالزی بیان می‌دارد که پادشاه می‌تواند از دادگاه فدرال بخواهد نظرش را در مورد مفاد قانون اساسی در جلسه رسمی دادگاه اعلام نماید.

نتیجه‌گیری

کشور ایران و مالزی بنا به اصول حاکمیت سیاسی و آرمان‌های اجتماعی و تاریخی خود اهدافی را پیش‌بینی و در اصول قانون اساسی خود درج کرده‌اند. به این جهت، بیش‌ترین تفاوت در میان کشورهای مورد مقایسه را می‌توان در ساختارها و تشکیلات مجالس قانون‌گذاری از تک مجلسی، دو مجلسی، و نهادهای ناظر بر قوای مقننه و بعضاً تفاوت در شیوه‌ها و فرآیندهای رسیدگی تقنینی بررسی کرد. از نظر مطالعه، نظام جمهوری اسلامی که نظامی نیمه‌پارلمانی - نیمه‌ریاستی می‌باشد و مقایسه آن با نظام پارلمانی مالزی به دست می‌آید که قابل تأمل است. اولین نکته این که شکل دولت، اعم از پارلمانی، ریاستی، نیمه‌ریاستی، نقش بسزایی در مطالعاتی از این دست دارد. نکته مشترک در غالب این نظام‌ها آن است که اختیار پیشنهاد از سوی نمایندگان مجلس (یا مجلسین) و دولت، از حیث موضوع، شرایط و فرایند بررسی پیشنهادات متفاوت است. در نظام‌های پارلمانی و نیمه‌ریاستی، این رویه انعطاف بیشتری دارد و دولت در کنار پارلمان می‌تواند مبتکر و پیشنهاددهنده قانون باشد. نکته دیگر جایگاه شریعت در تدوین قانون می‌باشد که در ایران طبق اصل ۴ قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلام باشد، اما در مالزی شریعت جایگاهی در تدوین قوانین ندارد و قوانین عرفی می‌باشند و در اجرای قوانین شرعی دادگاه و محکمه‌ای برای مسلمانان وجود دارد. در پایان باید بیان داشت که در قانون‌گذاری مالزی مصلحت‌اندیشی در قوه تقنین مشخص گردیده است و در صورت حدوث اختلاف باید در خود قوه تقنین این مشکل رفع گردد. اما در ایران مصلحت‌اندیشی در صورت حدوث اختلاف در خارج از قوه تقنین در نظر گرفته شده است و نهادی مستقل بنام مجمع تشخیص مصلحت نظام تاسیس گردیده است تا به اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رسیدگی نماید.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- اسدیان، احمد (۱۳۹۱). **تحولات تفکیک قوا، نگرشی بر تغییرات مهندسی قدرت سیاسی**، تهران: انتشارات مجد.
- ساعد، محمدجعفر (۱۳۸۹). **چشم‌اندازی به نظام حقوقی و عدالت کیفری مالزی**، حقوق اساسی، ۵ (۱۰).
- راسخ، محمد (۱۳۹۲). **حق و مصلحت**، تهران: انتشارات نی.
- راسخ، محمد (۱۳۸۵). **ویژگی‌های ذاتی و عرضی قانون**، مجلس و راهبرد، ۱۳ (۵۱): ۴۰-۱۳.
- راسخ، محمد (۱۳۸۴). **بنیان نظری اصلاح قانون‌گذاری**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- شریعتی، محمدصادق (۱۳۸۰). **بررسی فقهی و حقوقی مجمع تشخیص مصلحت نظام**، چاپ اول، قم: انتشارات بوستان کتاب.
- عباسی، بیژن و جعفری، مصطفی (۱۳۹۰). **بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی**، حقوق تطبیقی، ۲ (۲): ۱۱۵-۱۳۲.
- فتحعلی‌زاده، علی (۱۳۸۱). **قانون‌گذاری**، مجله کانون و کلا، (۱۷۷).
- فیرحی، داوود (۱۳۹۴). **نظام سیاسی و دولت در اسلام**، تهران: انتشارات سمت.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۸۶). **بایسته‌های حقوق اساسی**، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- مالمری مرکز، احمد (۱۳۸۵). **حاکمیت قانون مفاهیم و برداشت‌ها**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۷). **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات علامه طباطبایی، چاپ هفتم.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۴). **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات دادگستر.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴). **دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی**، تهران: انتشارات اطلاعات، چاپ دوم.
- میرموسوی، سیدعلی (۱۳۹۲). **اسلام سنت دولت مدرن**، تهران: نشر نی.
- هارت، هربرت (۱۳۹۳). **مفهوم قانون**، تهران: انتشارات نی، چاپ چهارم.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۷). **حقوق اساسی ج. ا. حاکمیت و نهادهای سیاسی**، جلد دوم، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). **مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی**، تهران: انتشارات جنگل.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۳). **دولت حقوقی**، تهران: انتشارات جنگل.
- Harding (A.), (1996). **Law, Government and Constitution in Malaysia**, Malaysia, Lexisnexis.
- Nurhafilah (M.) (۲۰۰۸). **Federalism, constitutionalism and democratic society in Multicultural societies-A Case Study of Malaysia**, Iff Summer University.